

ORIGINAL ARTICLE

Defenses based on Limitation of Liability in Civil Liability Lawsuits with Emphasis on Police Civil Liability

Reza Beyranvand¹, Seyed Ali Mirkamali²

1. Associate Professor
Department of Law, Amin
University of Police Sciences.,
Tehran, Iran.

2. M.Sc. in Private Law, Faculty
of Law and Political Sciences,
University of Tehran, Tehran,
Iran.

Correspondence:

Seyed Ali Mirkamali

Email: ali.mirkamali.sey@ut.ac.ir

ABSTRACT

Defense based on civil liability is divided into different categories based on its multiple meanings and diverse functions. One of the important types of defense in civil liability is the defense based on limiting the amount of responsibility, the proof of which without negating the responsibility of the defendant, simply reduces the scope of the defendant's responsibility and the amount of damages payable by him. Despite the importance of defenses based on the limitation of liability in harmonizing the rules of civil liability in terms of compensation and also creating a favorable legal order in civil liability claims, the examination of this type of defense as an independent topic in our legal system has been neglected. The current research, with descriptive analytical methods and with the approach of emphasizing the civil responsibility of the police, seeks to provide a coherent basis for the classification of defense types based on the limitation of responsibility in civil liability lawsuits through a systematic interpretation of domestic laws. In this regard, three general categories of defenses based on liability limitation in civil liability lawsuits can be identified and examined that are respectively based on the defense based on role of the victim in connection with the accident (including the contributory negligence of the victim and also the breach of the duty to mitigate damages), the defense based on intervention of third parties and Multiple Tortfeasors in the occurrence of the accident and in the end, the defense based on good faith of the Tortfeasor is divided.

KEYWORDS

Good Faith, Mitigation of Damages, Partial Defense, Responsibility-Based Defense, Third Party Intervention.

How to cite

Beyranvand, R.; Mirkamali, S.A. (2023). Defenses based on Limitation of Liability in Civil Liability Lawsuits with Emphasis on Police Civil Liability, Civil Law Knowledge, 12 (1), 117-132.

نشریه علمی

دانش حقوق مدنی

«مقاله پژوهشی»

دفاعیات مبتنی بر تحدید مسؤلیت در دعاوی مسؤلیت مدنی با تأکید بر مسؤلیت مدنی پلیس

رضا بیرانوند^۱، سیدعلی میرکمالی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

دفاع ناظر بر مسؤلیت مدنی بنا بر معانی متعدد و کارکردهای متنوع آن، به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌گردند. یکی از انواع مهم دفاع در مسؤلیت مدنی، دفاعیات مبتنی بر تحدید میزان مسؤلیت است که اثبات آن بدون نفی مسؤلیت خواننده، صرفاً محدودۀ مسؤلیت خواننده و میزان خسارات قابل پرداخت توسط وی را کاهش می‌دهد. باوجود اهمیت دفاعیات مبتنی بر تحدید مسؤلیت در منسجم ساختن قواعد مسؤلیت مدنی از حیث جبران خسارت و نیز ایجاد نظم حقوقی مطلوب در دعاوی مسؤلیت مدنی، بررسی این قسم از دفاعیات به‌عنوان یک مبحث مستقل در نظام حقوقی ما مورد غفلت واقع شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تأکید بر مسؤلیت مدنی پلیس، در پی ارائه مبنایی منسجم از طبقه‌بندی انواع دفاعیات مبتنی بر تحدید مسؤلیت در دعاوی مسؤلیت مدنی از طریق تفسیری نظام‌مند از قوانین موضوعه داخلی است. در این خصوص سه دسته کلی از دفاعیات مبتنی بر تحدید مسؤلیت در دعاوی مسؤلیت مدنی قابل شناسایی و بررسی است که به ترتیب بر مبنای دفاع ناظر بر نقش زیان‌دیده در ارتباط با حادثه (شامل تقصیر مشارکتی زیان‌دیده و نیز نقض وظیفه تقلیل خسارت)، دفاع ناظر بر مداخله اشخاص ثالث و تعدد عاملین زیان در وقوع حادثه و در نهایت دفاع ناظر بر حسن نیت عامل زیان تقسیم‌بندی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

تقلیل خسارت، حسن نیت، دفاع جزئی، دفاع مبتنی بر مسؤلیت، مداخله شخص ثالث.

نویسنده مسئول:

سیدعلی میرکمالی

رایانامه: ali.mirkamali.sey@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

بیرانوند، رضا؛ میرکمالی، سیدعلی (۱۴۰۲). دفاعیات مبتنی بر تحدید مسؤلیت در دعاوی مسؤلیت مدنی با تأکید بر مسؤلیت مدنی پلیس، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۲ (۱)، ۱۳۳-۱۱۷.

مقدمه

قالب دفاع ناظر بر آن نقش مهمی در کاهش میزان مسئولیت خواننده در دعوی مسئولیت مدنی ایفا می‌نماید. بدیهی است عدم آگاهی خواننده نسبت به عوامل مذکور توأم با بی‌توجهی دادگاه به آن عوامل، مسئولیت کامل خواننده را در پرداخت کلیه خسارات وارده در پی خواهد داشت. در خصوص تأکید ویژه پژوهش حاضر به مسئولیت مدنی پلیس، ابتدا لازم به ذکر است همان‌طور که قواعد عام مسئولیت در مسئولیت مدنی پلیس با سایر مصادیق مسئولیت مدنی یکسان است، در زمینه دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت نیز مسئولیت مدنی پلیس و سایر دعوی عام مسئولیت مدنی از قواعد مشترکی پیروی می‌کند، لکن افزایش دعوی مسئولیت مدنی علیه سازمان پلیس در سال‌های اخیر به‌عنوان یک سازمان دولتی مهم و اثرگذار در جامعه که از بودجه عمومی برخوردار است و تأثیر اتخاذ رویکردهایی ضمنی چون «جیب عمیق»^۲ منابع دولتی در منتسب کردن ضرر و تحمیل جبران خسارات وارده به پلیس توسط مدعیان زیان و حتی برخی از محاکم در دعوی مسئولیت مدنی، سبب شده تا بحث دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در دعوی مسئولیت مدنی علیه سازمان پلیس و کارکنان آن جایگاه و اهمیت ویژه‌ای پیدا کند که مستلزم بررسی خاص و موضوعی آن در دعوی مسئولیت مدنی است.

بهره‌گیری از دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت مستلزم درک مبانی، شناخت انواع و نیز بررسی مصادیق آن در یک طبقه‌بندی منسجم جهت استناد در مراحل و شرایط مختلف دعوا است. در این خصوص گفتار حاضر جهت دستیابی به اهداف فوق در دو مبحث کلی تدوین شده است. مبحث اول به مبانی نظری و منابع قانونی دفاعیات ناظر بر تحدید میزان مسئولیت مدنی و نیز تبیین مسئولیت‌بار اثبات در این‌گونه دفاعیات اختصاص دارد. در ادامه مبحث دوم نیز به بررسی و شناسایی انواع دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت و شناسایی ویژگی‌های آنها جهت قابلیت اعمال در محاکم می‌پردازد.

۲. اصطلاح جیب عمیق (Deep pocket) به وضعیتی اشاره دارد که ضرر و زیان ناشی از فعل زیان‌بار در مسئولیت مدنی بر عهده‌ی شخصی قرار می‌گیرد که در موقعیت بهتری از حیث ثروت و منابع مالی و نیز قابلیت دسترسی قرار دارد. به ویژه در حقوق کامن‌لا، برخی دادگاه‌ها در مواردی که شناسایی یا اثبات مسئولیت متخلف اصلی ممکن نیست و یا وی از توانایی مالی اندکی برای جبران خسارت برخوردار است، قواعد مربوط به مسئولیت مدنی را برای تحمیل مسئولیت به یک طرف بدون تقصیر به ویژه ادارات دولتی گسترش داده‌اند که این امر به دلیل نقض قوانین مسئولیت و عدم رعایت عدالت قضایی مورد انتقاد بسیاری از حقوقدانان واقع شده است (Schwartz, 2021: 380).

شخص خواننده در حوزه مسئولیت مدنی مبتنی بر اصولی همچون عدل، انصاف و منع سوءاستفاده از حق، از برخی حقوق خاص از جمله حق دفاع در برابر دعوی مسئولیت مدنی برخوردار است. در این خصوص دفاع از مسئولیت در دعوی مسئولیت مدنی به‌طور عملی و پراکنده از زمان پیدایش آن وجود داشته است (Goudkamp, 2013: 1). اگرچه اغلب اقسام دفاع ناظر بر نفی مسئولیت با انکار مبانی و ارکان آن و یا رفع مسئولیت با استناد به عوامل رافع یا علل موجهه در نظر گرفته می‌شود، لکن اثر دفاع در مسئولیت مدنی، منحصر به سلب مسئولیت یا جلوگیری از تحقق آن نیست، بلکه در بسیاری از موارد وجود عواملی در ارتباط با حادثه، اگرچه ممکن است به‌طور کلی سبب قطع رابطه سببیت میان اصل زیان و فعل خواننده دعوا نگردد، ولیکن در قلمرو مسئولیت خواننده اثرگذار است؛ به طوری که می‌تواند محدوده مسئولیت و میزان خسارات قابل پرداخت توسط وی را کاهش دهد. استناد به این عوامل مؤثر در کاهش قلمروی مسئولیت توسط خواننده دعوا به‌عنوان یکی از اقسام دفاع در طبقه دفاع مبتنی بر تحدید مسئولیت جای می‌گیرد.

محل اصلی بحث در دفاع مبتنی بر تحدید مسئولیت، مواردی است که متعاقب شرایط حاکم بر دعوا، اصل مسئولیت خواننده و استنادپذیری زیان به وی محرز و غیرقابل خدشه باشد. به همین دلیل به طور کلی از دفاع ناظر بر تحدید مسئولیت به‌عنوان «دفاعیات مبتنی بر مسئولیت»^۱ تعبیر می‌شود (Borghetti, 2019: 298). در این خصوص استناد خواننده به عوامل مؤثر در تحدید مسئولیت به لحاظ کارکردی، به‌عنوان مکانیزمی جهت تخصیص خسارت به مسئولین آن و یا جبران منصفانه خسارت با در نظر گرفتن منافع طرفین دعوا از جمله خواننده از طریق ظرفیت‌های قانونی عمل می‌نماید. بنابراین، با عنایت به تفاوت میان دفاع مبتنی بر اصل مسئولیت و دفاع مبتنی بر تحدید مسئولیت از حیث نوع کارکرد و تأثیر آن، موارد موجب نفی یا سلب مسئولیت خواننده از جمله مواردی چون نقش عمده خواهان یا شخص ثالث در وقوع حادثه و قطع کلی انتساب زیان به خواننده دعوا، خارج از قلمرو بحث حاضر در خصوص دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت است.

لازم به ذکر است که در بسیاری از دعوی مسئولیت مدنی، در اصل مسئولیت خواننده تردیدی نیست، لکن در این موارد استناد به عوامل مؤثر در کاهش و یا تحدید خسارت در

اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در تخصیص بهینه امکانات و تعادل اقتصادی، برقراری توازن اجتماعی میان طرفین دعوای مسئولیت مدنی و منع خسارت بیش از حد، مسیرهایی متفاوت به مقصودی واحد هستند که با تأکید بر حقوق حقه خواننده دعوا در استناد به دفاعیات مبتنی بر تحدید میزان مسئولیت، تحقق مفهوم عدالت در بحث جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی را جست‌وجو می‌نمایند.

۲. تقویت بازدارندگی و اصلاح کارآمد رفتارهای مخاطره‌آمیز

از مهم‌ترین اهداف وضع قواعد مسئولیت مدنی در کنار مسئله جبران خسارت، ایجاد بازدارندگی نسبت به تعدیل رفتارهای مخاطره‌آمیز توسط اشخاص و کاهش حوادث زیان‌بار ناشی از بی‌احتیاطی در موارد مشابه است. خصیصه بازدارنده بودن قواعد مسئولیت مدنی افراد را تشویق می‌کند تا فعالیت‌های خود را با دقت بیشتری انجام دهند و مراقب تأثیرات احتمالی آن بر سایر افراد و نیز دارایی‌شان باشند (Harpwood, 2000: 14). یک نظام مسئولیت مدنی کارآمد و مؤثر، نظامی است که اعضای جامعه خویش را به کنترل فعالیت‌های خود و انجام مراقبت‌های لازم تشویق نماید. این امر به‌وضوح نیاز به کاهش ریسک در زمینه مسئولیت مدنی از طریق تصویب قوانین محدودکننده و نیز اتخاذ رویکردهای تفسیری و قضایی مناسب به سمت تحقق هدف بازدارندگی و ایجاد انگیزه‌های احتیاطی را بیش از پیش آشکار می‌نماید. یکی از ابزارهای مهم در خصوص کاهش و مدیریت ریسک در حوزه جبران خسارت، توجه به سهم تمامی عوامل دخیل در وقوع حادثه زیان‌بار و ضررهای ناشی از آن در کنار مسئول اصلی حادثه است. در این خصوص، اعمال دفاعیات مبتنی بر میزان مسئولیت با مورد توجه قرار دادن مداخله سایر عوامل مسئول در حادثه، سهم به‌سزایی در شکل‌گیری عنصر بازدارندگی در بحث جبران خسارت ایفا می‌کند. در جهانی بدون قواعد محدودکننده جبران خسارت در مسئولیت مدنی و تحمیل تمامی خسارات بر شخصی واحد بدون توجه به سایر عوامل مؤثر، اشخاص جامعه نه تنها به کاهش ریسک ناشی از فعالیت‌های خود ترغیب نمی‌شوند، بلکه حتی تشویق بیشتری می‌شوند تا در رابطه با رفاه خود ریسک‌هایی را بپذیرند که خطرپذیری بالایی را برای جامعه به دنبال دارد؛ زیرا آنها مجبور نیستند عواقب آسیب رساندن به خود یا دیگری را متحمل شوند.

بهینه منابع و امکانات اقتصادی در ارتباط قرار دارد. در این خصوص از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت اقتصادی و مطلوبیت نهایی، مسئله «سواری مجانی» است که به معنای سود بردن از عملی با وجود مشارکت در آن به هزینه دیگران و عدم مسئولیت‌پذیری در آن محسوب می‌شود. در این رابطه از آنجا که اکثر عوامل مؤثر بر تحدید میزان مسئولیت به نقش خواهان و یا شخص ثالث در وقوع حادثه ارتباط می‌یابد، در صورت عدم مسئولیت‌پذیری خواهان یا شخص ثالث در این رابطه، خواننده دعوا مسئول پرداخت خساراتی محسوب می‌گردد که حداقل حدودی از آن بر عهده شخص دیگری قرار دارد. در این خصوص اشخاص مزبور اعم از زیان‌دیده یا شخص ثالث به‌عنوان دیگر عوامل مؤثر در وقوع حادثه با عدم مشارکت در پرداخت هزینه‌ها، از افزایش دیون منفی خویش به‌واسطه پرداخت توسط خواننده دعوا جلوگیری می‌نمایند. امری که در نهایت منجر به شکل‌گیری پدیده «سواری مجانی» در مسئولیت مدنی است. علاوه بر مبنای اقتصادی، مسئله جبران خسارت و تعیین میزان آن، بنا بر رویکردهای اجتماعی نسبت به مسئولیت مدنی نیز در قالب بحث‌های ناظر بر عدالت اجتماعی^۱ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (جعفرزاده، ۱۴۰۰: ۳) که خود بیانگر زوایای گوناگون «مسئله ارزیابی خسارت و جبران آن» به‌عنوان هدف اولیه مسئولیت مدنی است. از سوی دیگر تحمیل خسارات مزاد بر خواننده دعوا، با حکومت اصل جبرانی بودن خسارات در مسئولیت مدنی نیز ناسازگار است. از کارکردهای مهم اصل جبرانی بودن خسارت، منع انتفاع خواهان یا دیگر اشخاص مداخله‌گر ثالث از پرداخت خسارت توسط خواننده و تحدید خسارت‌های قابل جبران در خصوص آن است (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۸: ۱۹۸). بنابراین، اصل مزبور به هیچ‌عنوان خواننده دعوا را مجبور به تحمل عواقب زیان‌بار ناشی از مداخله خواهان یا اشخاصی ثالث در حادثه فرض نمی‌نماید. نظام‌های مسئولیت مدنی همواره تلاش می‌کنند از پرداخت خسارت بیش از حد به زیان‌دیده و یا ایجاد منافع جانبی برای اشخاص ثالث اجتناب کنند؛ به طوری که جبران زیان نباید در نهایت به ایجاد سود برای زیان‌دیده و یا اشخاص ثالث در ارتباط با گریز از مسئولیت و جلوگیری از دیون منفی آنها منجر گردد. بنابراین، عدم شناسایی دفاع مبتنی بر مسئولیت می‌تواند لطمه جبران‌ناپذیری به اصل جبرانی بودن خسارات در حقوق مسئولیت مدنی وارد کند. بی‌شک رویکردهای مختلف

۳. حمایت از شخص مسئول و جبران منصفانه خسارت

در کنار تمرکز بحث جبران خسارت و قواعد مسئولیت مدنی بر بهبود وضع زیان‌دیده و توجه به منافع وی، حقوق بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا از انجام حمایت‌های لازم نسبت به شخص مسئول و توجه به شرایط وی در قالب نهاد جبران منصفانه^۱ غافل‌نمانده‌اند و همواره بر جبران منصفانه خسارت نسبت به شخص مسئول توجه داشته‌اند تا جایی که امروزه انصاف به‌عنوان یکی از دفاعیات مستقل خوانده در دعاوی مسئولیت مدنی با نام «دفاع مبتنی انصاف»^۲ محسوب می‌گردد. دفاع مبتنی بر انصاف به‌جای از بین بردن مسئولیت و یا قطع رابطه سببیت به‌طور کلی، با تأکید بر ملاحظات اخلاقی بر تناسب جبران خسارت و تقلیل آن نسبت به شرایط حاکم بر دعوا و شرایط شخص عامل زیان تلاش می‌نماید (Davies, Douglas & Goudkamp, 2018: 1, 17). در این راستا یکی از مبانی مهم دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت مدنی، اهتمام بر اتخاذ رویکردهای منصفانه نسبت به اوضاع و احوال ناظر بر پرونده و وضعیت شخص مسئول در آن است. همچنین دفاع مبتنی بر انصاف منحصر به کشورهای کامن‌لا نیست، بلکه حتی در قوانین کشورهای مبتنی بر نظام حقوقی رومی-ژرمنی از جمله کشور سوئیس نیز بر رویکردهای جبران خسارت منصفانه از جمله در مواد ۵۴ و ۳۷۵ قانون تعهدات آن کشور تصریح شده است (Federal Act on the Amendment of the Swiss Civil Code, Part Five: The Code of Obligations, 2021: art 54, 375). در حقوق ایران نیز توجه به مواردی از جمله وضعیت مالی شخص واردکننده زیان یا کمک وی به زیان‌دیده و تأثیر آن در تخفیف میزان خسارت (ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی) بیانگر نگرش قانون‌گذار به مبنای جبران منصفانه و حمایت از شخص مسئول در دعاوی مسئولیت مدنی است.

منابع قانونی دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در حقوق ایران

پرداختن به مبحث دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت زمانی سودمند خواهد بود که در عرصه عملی در حاکم نیز قابل استناد توسط خواننده و ترتیب اثر توسط دادرس باشد. تحقق این امر جز از

طریق شناسایی قانونی یا وجود ظرفیت‌های عملی برای پذیرش این نهاد در نظام مسئولیت مدنی ممکن نیست. در قوانین موضوعه داخلی، قانون‌گذار در قانون مسئولیت مدنی با عنایت به سهم عوامل گوناگون در وقوع حادثه و خسارت ناشی از آن و از سوی دیگر موردتوجه قرار دادن مبنای انصاف در جبران ضرر، بر قدرت قاضی نسبت به تحدید قلمرو مسئولیت مدنی خواننده و تعیین میزان خسارت قابل جبران در مواد ۳ و ۴ آن قانون تصریح نموده است. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی در قالب یک اصل کلی بیان می‌دارد «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد نمود...». بر اساس ماده اخیر میزان خسارت قابل جبران لزوماً منطبق با میزان خسارت وارده نخواهد بود. پذیرش این امر مستلزم درک تفاوت دو مفهوم اصل تعهد^۳ و میزان مسئولیت^۴ از یکدیگر است. در این رابطه اثر مستقیم و آغازین مسئولیت مدنی پس از حادثه زیان‌بار برای خواننده ایجاد تعهد است؛ به‌طوری‌که گویی یک رابطه دینی خاص مابین زیان‌دیده و فاعل زیان به وجود می‌آید که موضوع آن جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۴۹). بر این اساس عامل زیان متعهد به جبران خسارت از زیان‌دیده است، اما دامنه مسئولیت خواننده با حکم دادگاه تعیین می‌یابد و در این خصوص ممکن است مسئولیت عامل زیان بسته به اوضاع و احوال حاکم بر دعوا محدود گردد، بنابراین تعهد عامل زیان به جبران خسارت لزوماً به معنای مشمول بودن و مسئولیت وی نسبت به پرداخت کلیه خسارات وارده نیست.

ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی در تنویر عبارت «اوضاع و احوال» و مصادیق کاهش خسارت، به جهاتی اشاره می‌نماید که حدود هریک می‌تواند مستقلاً مسئولیت عامل زیان را در مقایسه با کل خسارات، محدود کند. ماده مذکور در این رابطه اشعار می‌دارد: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱. هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود.
۳. وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.»

نسبت به خسارت واحد، ناممکن به نظر می‌رسد، لکن این امر در عالم اعتبار حقوقی قابل تصور و بدون مشکل است. لذا واحد بودن خسارت نمی‌تواند مانع از تقسیم علیت و اشتراک در رابطه سببیت در حادثه‌ای گردد که خواننده در آن صرفاً یکی از شرایط و اسباب خسارت را ایجاد کرده است.

فرض مشارکت زیان‌دیده در موارد معدودی ممکن است نفی مسئولیت عامل زیان را در پی داشته باشد. نفی مسئولیت در تقصیر مشارکتی ناظر بر زمانی است که تنها با یک سببیت عرفی در حادثه مواجه باشیم؛ از جمله آنکه شدت اقدام زیان‌دیده بیش از میزان تقصیر عامل زیان و به اندازه‌ای باشد که رابطه سببیت میان عمل عامل زیان و واقعه زیان‌بار را از بین ببرد؛ به طوری که عرفاً صدمه وارده بر عهده خواننده نباشد. در پرونده‌ای در این مورد، پلیس که از حادثه‌ای که در آن سوخت گازوئیل در جاده ریخته شده بود، مطلع شده بود، با وجود اینکه موضوع را به اداره راهداری منطقه اطلاع داد، اقدامی در راستای هشدار به خودروهای نزدیک به آن نکرد. در نتیجه، خودرویی با سرعت غیرمجاز روی سوخت ریخته شده لغزید و متعاقب آن، یک نفر کشته و چند نفر مجروح شدند. در پی شکایت زیان‌دیده از پلیس به دلیل نقض وظیفه مراقبت، در نهایت دادگاه تجدیدنظر با استناد به سهل‌انگاری مدعی زیان در وقوع حادثه و ناعادلانه بودن تحمیل وظیفه مراقبت نسبت به پلیس و بیان اینکه فرض کلی وظیفه مراقبت برای پلیس، مسئولیت بالقوه نامحدودی را بر پلیس تحمیل می‌نماید، ادعای مدعی زیان در جبران خسارت را رد کرد (Harpwood, 2000: 105-106).

همچنین ممکن است مداخله زیان‌دیده در حادثه به قدری جزئی باشد که عرفاً امکان انتساب حتی بخشی از علت حادثه به وی منتفی باشد؛ در این فرض نیز امکان استناد به دفاع ناشی از مشارکت زیان‌دیده نسبت به وقوع زیان سلب می‌گردد و عامل زیان موظف به جبران تمام زیان وارده است. به عنوان مثال در این زمینه مطابق با نظریه شماره ۷/۷۷۷/۳۴ اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مورد اقدام مأمور نیروی انتظامی که به منظور متوقف کردن موتورسوار متخلف فاقد کلاه ایمنی و گواهینامه، با گذاشتن دست خود بر شانه راننده موتور، موجب برهم خوردن تعادل وی و متعاقب آن، زمین خوردن و فوت وی شده است، برهم زدن تعادل راننده موتورسیکلت توسط مأمور انتظامی حتی در صورت مشاهده مورد مشکوک از راننده، علت تامه حادثه محسوب می‌گردد و هیچ بخشی از آن منتسب به زیان‌دیده است. بنابراین، مأمور

«خطای مشترک» مصوب سال ۱۹۴۵ است که بند یک ماده اول آن به صراحت از کاهش خسارت قابل جبران توسط دادگاه و محرومیت زیان‌دیده از دریافت کامل خسارات، در نتیجه سهل‌انگاری وی در وقوع حادثه سخن گفته است (McBride, 1993: 738). همچنین ماده ۵ قانون حوادث مرگبار مصوب ۱۹۷۶ نیز به خطای مشترک شخص و تأثیر آن در کاهش خسارت اشاره کرده است (Law Commission, 1993: 41). علاوه بر حقوق کامن‌لا، مشارکت زیان‌دیده در ایجاد حادثه زیان‌بار در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه نیز مفهومی شناخته شده است و عموماً با عناوینی چون تقصیر مشترک^۱ یا مشارکت زیان‌دیده در ایجاد ضرر به خود^۲ مورد حکم توسط دادگاه‌های این کشور قرار می‌گیرد^۳. لذا مطابق ادبیات حقوقی هر دو کشور فرانسه و انگلیس چنانچه تقصیر شخص زیان‌دیده، در وقوع حادثه و ایراد خسارت به خود مؤثر باشد، استحقاق وی برای جبران خسارت کاهش می‌یابد. در بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز مشارکت زیان‌دیده در وقوع حادثه و تسهیل ایجاد زیان از موارد تخفیف خسارت و تحدید مسئولیت خواننده در نظر گرفته شده است.

در خصوص شرایط ناظر بر دفاع ناشی از مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان اولاً باید اذعان داشت مشارکت شامل دو عنصر تقصیر و رابطه سببیت است و استناد به دفاع مزبور مستلزم وجود و اثبات هر دو عنصر فوق است (Goudkamp, 2016: 10). بر این اساس، صرف ادعای تقصیر زیان‌دیده بدون وجود رابطه سببیت و عدم تأثیر سهل‌انگاری زیان‌دیده در ایراد خسارت وارده، دفاع ناشی از مشارکت زیان‌دیده در وقوع حادثه را با شکست مواجه می‌نماید. دوم آنکه اثبات مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان، موجب گسست پیوند انتساب فعل عامل زیان با خسارت وارده نمی‌گردد. درواقع، منتسب بودن بخشی از زیان به زیان‌دیده، رابطه سببیتی را که قبلاً بین عمل عامل زیان و خسارت زیان‌دیده احراز شده بود را صرفاً مورد تقسیم قرار می‌دهد. اگرچه در عالم مادی تقسیم رابطه سببیت

1. faute commune

2. la contribution de la victime à la production de son dommage

۳. علاوه بر فرانسه، در حقوق آلمان نیز قانون مدنی این کشور (BGB) در ماده ۲۵۴ صراحتاً از خطای مشترک زیان‌دیده (Mitverschulden) و اثر آن در تعیین میزان مسئولیت عامل زیان، سخن گفته است:

Bürgerliches Gesetzbuch (BGB), § 254 Mitverschulden: Van Dam, C. (2013). European tort law. OUP Oxford. 376.

پیش‌فرض نهادن این نکته که اصولاً شخص مترصد شغل می‌تواند ظرف دو سال شغل مناسب به خویش را پیدا نماید، تنها به پرداخت حقوق معوقه به وی به مدت دو و نیم سال حکم داد. ضمن اینکه دادگاه بیان نمود عدم رعایت مسائل مربوط به تقلیل خسارت در پرونده مزبور به لحاظ تأثیر در اصل قضیه و غیرقانونی بودن امتناع پلیس از استخدام شخص، غلبه نخواهد کرد و رابطه سببیت بین زیان و فعل عامل زیان همچنان برقرار است (Court of Appeals, 1986: para 1135-). در حقوق ایران نیز قانون‌گذار به مفهوم قاعده تقلیل خسارت و آثار آن توجه داشته است. در این زمینه بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی در کنار نقش مدعی در ایجاد زیان در صدر بند مزبور همچنین به اضافه شدن زیان یا تشدید وضعیت واردکننده زیان در اثر عمل زیان‌دیده اشاره نموده است و آن را از جمله عوامل تخفیف مسئولیت در نظر گرفته است. همچنین قانون‌گذار به‌طور استثنایی در ماده ۱۵ قانون بیمه، عدم مقابله با خسارت توسط بیمه‌گذار در حادثه موضوع بیمه را به دلیل فلسفه عقد بیمه و جلوگیری از ایجاد «مخاطره اخلاقی»^۷ در آن، سبب برائت بیمه‌گر از مسئولیت دانسته است.

قاعده تقلیل خسارت در بحث مسئولیت مدنی، ارتباط نزدیکی با مفهوم مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان پیدا می‌کند. حتی در بسیاری از موارد تقصیر مشارکتی زیان‌دیده و نقض وظیفه تقلیل به‌جای یکدیگر به کار می‌روند. تشخیص دقیق ارتباط میان تقصیر مشارکتی و قاعده تقلیل خسارت به‌ویژه درجایی اهمیت می‌یابد که هر دو آموزه‌های مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان و نیز قاعده تقلیل خسارت قابل انطباق بر ماهیت دعوا است و امکان جمع و یا لزوم انتخاب بین آنها مطرح گردد. به‌عنوان مثال در حادثه‌ای خودروی پلیس با بی‌احتیاطی به‌عبارت پیاده‌ای که بدون هیچ‌گونه توجهی ضمن کار کردن با تلفن همراه خود در حال عبور از خیابان است، برخورد می‌نماید و عابر دچار جراحت از ناحیه دیسک کمر می‌گردد. در این خصوص با وجود توصیه متخصصین پزشکی به جراحی دیسک کمر با درصد بالای موفقیت، زیان‌دیده به خاطر ترس غیرمنطقی از عمل جراحی از انجام عمل پزشکی توصیه‌شده امتناع می‌کند و در نتیجه آسیب‌های وی تشدید می‌شود. در این خصوص امکان جمع و یا لزوم انتخاب بین مشارکت زیان‌دیده و قاعده تقلیل خسارت مطرح می‌شود. بدیهی اگر دو

به‌تنهایی جبران خسارت را بر عهده دارد (رحیمی، خیاطی گرگری، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۹).

۱-۲. نقض وظیفه تقلیل خسارت

قاعده تقلیل خسارت از مهم‌ترین قواعد تنظیم‌شده در راستای تعیین میزان خسارت و تحدید مسئولیت خواننده است که در قرن هجدهم در حقوق کامن‌لا به آن پرداخته شد (Michaud, 1984: 295). هر چند در حقوق فرانسه نیز مسئله تقلیل خسارت و زیان‌های قابل اجتناب در آثار حقوقدانانی چون ژان دوما^۱ و پوتیه^۲ به‌عنوان اصول حاکم بر فرآیند تعیین میزان خسارت دارای سابقه بوده است (Michaud, 1984: 338). بر اساس قاعده تقلیل زیان، زیان‌دیده موظف به ایفای نقشی فعال در زمینه کاهش خسارات وارد بر خویش یا جلوگیری از توسعه آن است. بر اساس قاعده تقلیل زیان، زیان‌دیده نقش مهمی در ضرر و دامنه آن ایفا می‌نماید و در صورت عدم تلاش به کاهش ضرر و تماشای صرف خسارات وارد بر خویش، از اعاده بخشی از ضرر خود به‌عنوان خسارات قابل اجتناب^۳، منع می‌گردد و این امر به‌طور مستقیم در دامنه مسئولیت خواننده دعوا اثرگذار است. بدین ترتیب نقض قاعده تقلیل خسارت از دفاعیاتی است که عامل زیان می‌تواند با تمسک به آن و نشان دادن عدم تلاش خواهان در خصوص کاهش خسارت، میزان مسئولیت خویش را محدود نماید.

در پرونده‌ای^۴ در آمریکا در پی شکایت ثورن^۵ علیه شهر «ال سگوندو»^۶ به دلیل عدم استخدام تبعیض‌آمیز وی به‌عنوان افسر پلیس و تقاضای حقوق معوقه به مدت ۸ سال از سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۵، دادگاه تجدیدنظر ضمن احراز مسئولیت مدنی پلیس اعلام داشت، مسئله اصلی در پرونده مزبور، وظیفه کاهش زیان است. در این خصوص زیان‌دیده در طول هشت سال بیکاری پس از استعفای داوطلبانه خود، هیچ تلاشی به‌صورت فعالانه برای جست‌وجوی شغل نکرد تا از خسارات وارد بر خود بکاهد و پس از ترک شغل، حق نداشت به مدت هشت سال بیکار بماند. بدین ترتیب دادگاه با کاهش میزان خسارت قابل جبران به دلیل عدم رعایت قاعده تقلیل خسارت توسط مدعی و

1. Jean Domat
2. Pothier
3. Avoidable damages
4. Thorne v. City of El Segundo, 802 F. 2d 1131 - Court of Appeals, 9th Circuit 1986
5. Thorne
6. El Segundo

7. Moral hazard

قاعده فوق یکسان در نظر گرفته شوند، تنها یکی از آنها قابل ترتیب اثر خواهد بود.

در خصوص شباهت‌های تقصیر مشارکتی و قاعده تقلیل خسارت، باید گفت هر دو دفاع مذکور از جمله قواعد حقوقی هستند که به ارزیابی مسئولیت مدعی زیان در قبال رفتار خود مربوط می‌شود و بر لزوم اتخاذ اقدامات معقول توسط زیان‌دیده جهت جلوگیری از ایجاد آسیب یا منع توسعه‌ی آن تأکید می‌نمایند. در مقابل، انجام اقدام همراه با سهل‌انگاری یا رفتار غیرمنطقی از سوی زیان‌دیده دادگاه‌ها را قادر می‌سازد تا بر اساس تخصیص بخشی از رابطه سببیت به زیان‌دیده، مسئولیت خواننده را کاهش دهند. بر این اساس برخی از حقوقدانان (Summers, 2015: 25) معتقدند آثار تقصیر مشارکتی و تقلیل خسارت که هر دو بر محوریت تخصیص رابطه سببیت متمرکز هستند و مدل‌های متفاوتی از یک قاعده مشترک؛ یعنی لزوم اتخاذ اقدامات معقول توسط زیان‌دیده محسوب می‌شوند با یکدیگر قابل جمع نیست، بلکه صرفاً می‌توانند جایگزین یکدیگر گردند.

با وجود شباهت‌های نزدیک میان دو قاعده تقصیر مشارکتی در وقوع حادثه و قاعده تقلیل خسارت، بنا بر دلایل ذیل به نظر می‌رسد وظیفه تقلیل خسارت مفهومی مجزا از مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان محسوب می‌گردد:

اول: آنکه تقلیل خسارت دارای گستره‌ای عام‌تر از مشارکت زیان‌دیده در زیان محسوب می‌گردد؛ چراکه تقلیل زیان هم در مورد مسئولیت غیر قراردادی و هم در مورد نقض قرارداد اعمال می‌شود. این قاعده حتی در مورد تخلفات عمدی عامل زیان نیز صدق می‌کند و زیان‌دیده را موظف به تقلیل خسارات خود می‌نماید (Ibid: 2). در مقابل، تقصیر مشارکتی اصولاً ناظر بر مسئولیت غیر قراردادی است و در حوزه قراردادهای کاربرد بسیار کمی دارد. همچنین ارتکاب تخلف عمدی توسط عامل زیان به‌طور کلی مانع از استناد خواننده به دفاع ناظر بر مشارکت زیان‌دیده در وقوع حادثه و تقصیر مشارکتی وی است.

دوم: تمایز دو مفهوم تقلیل زیان و مشارکت زیان‌دیده از حیث قلمرو زمانی است. مشارکت زیان‌دیده در وقوع زیان اصولاً در خصوص رفتار قبل از ایجاد حادثه یا همزمان با وقوع آن اعمال می‌شود، در حالی که قاعده تقلیل ماهیتاً قبل از وقوع حادثه قابل اعمال نیست و تنها مربوط به رفتار زیان‌دیده پس از ایجاد حادثه است.

سوم: مهم‌ترین تفاوت حقوقی میان دو قاعده تقلیل خسارت و مشارکت زیان‌دیده، تفاوت در مبنای محاسبه خسارت و معیار خسارات قابل پرداخت توسط خواننده است. در تقصیر مشارکتی، معیاری که در راستای تحدید مسئولیت خواننده و کاهش خسارات قابل جبران خواهان در نظر گرفته می‌شود، بر اساس خسارت واقعی^۱ است، اما در نقض وظیفه تقلیل خسارت، مبنای محاسبه خسارات قابل پرداخت به خواهان، زیانی فرضی^۲ به میزانی است که اگر مدعی زیان به‌طور معقول عمل می‌کرد، باز هم آن زیان را متحمل می‌گردید (Ibid: 1). به عبارت دیگر، در اعمال دفاع ناشی از نقض وظیفه تقلیل خسارت، لازم است خسارات به‌گونه‌ای ارزیابی شود که گویی زیان‌دیده معقولانه عمل کرده است. بدین ترتیب دو مفهوم فوق اساساً روش‌های متفاوتی را برای رسیدگی و تعیین خسارت قابل جبران زیان‌دیده دنبال می‌کنند.

چهارم: تقلیل خسارت و خطای مشارکتی که مولود نظام کامن‌لا است، سابقه جداگانه‌ای در این نظام حقوقی داشته و به‌عنوان مفاهیم حقوقی متمایز و مستقلی شکل گرفته است. این دوگانگی همچنان در تفکر حقوقی انگلیسی-آمریکایی ریشه دوانده است؛ به طوری که امروزه همچنان میان حقوقدانان و دادگاه‌های آمریکا، این اجماع وجود دارد که قاعده تقلیل خسارت و خطای مشارکتی دو مفهوم کاملاً متمایز از یکدیگر هستند و نباید با یکدیگر اشتباه گرفته شوند (Adar, 2013: 812). با فرض عدم امکان اعمال همزمان دو دفاع مذکور در حالی که مقتضیات آنها موجود باشد، وضع قواعد فوق به‌صورت مستقل نه‌تنها منجر به پیشرفت نظام‌های حقوقی در زمینه جبران خسارت در مسئولیت مدنی نمی‌گردد، بلکه موجب پیچیدگی‌های فراوان حقوقی و مسائل ناظر بر جبران خسارت از حیث تقدم و تأخر و ترجیحات مربوط به انتخاب آنهاست که بی‌شک دسته‌بندی آنها را نیز بی‌فایده جلوه خواهد داد. بر این اساس به نظر می‌رسد خطای مشارکتی می‌تواند همراه با سایر قواعد مبتنی بر جبران خسارت از جمله قاعده تقلیل خسارت اعمال شود و در این زمینه توجیه متقنی در لزوم انتخاب بین آنها وجود ندارد (Burrows, 2019: 47). بنابراین قاضی می‌تواند در راستای تعیین میزان خسارت و کیفیت جبران آن مبتنی بر توجه به اوضاع و احوال مورد اشاره توسط ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و نیز با عنایت به تأثیر متفاوت و مستقل مشارکت زیان‌دیده در وقوع حادثه و عدم رعایت وظیفه کاهش

1. Actual loss

2. Hypothetical loss

حادثه و تأثیر آن در تحمیل خسارت به زیان دیده وجود دارد. در این موارد استناد به تقسیم مسئولیت از جانب سازمان پلیس و کارکنان آن، از تحمیل خسارت مازاد بر میزان تأثیر و یا مسئولیت تضامنی پلیس در دعوی مسئولیت مدنی جلوگیری می‌نماید. اهمیت این موضوع به‌ویژه درجایی مشخص می‌شود که همه عوامل مداخله‌گر، شناخته‌شده و یا در دسترس نباشند و یا با وجود شناخته‌شده بودن، خواهان تمایلی به دعوی مدنی علیه وی به دلایلی از جمله توان مالی ضعیف آنان نداشته باشد و پلیس یا مأمور آن، تنها خواننده دعوا محسوب گردد. در این صورت وجود رویکردهایی چون اصل کامل جبران خسارت زیان‌دیده و نیز بخش اول ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در بیان مسئولیت تضامنی کارفرما و کارگران مشمول قانون کار ممکن است تصویری در خصوص ایجاد قاعده‌ای عام در لزوم تحمیل مسئولیت کامل بر دوش تنها عامل در دسترس دعوا به ذهن متبادر نماید.

در این خصوص قبل از هر چیز باید گفت پذیرش قاعده محور مسئولیت تضامنی عاملان زیان، اگرچه نفع زیان‌دیده را به همراه دارد، اما در ادامه منجر به بی‌عدالتی بین عاملان و به‌ویژه شخصی می‌گردد که بار تمامی خسارات بر عهده وی قرار می‌گیرد. به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در حقوق ایران اصل بر مسئولیت غیرتضامنی است و مطابق با آن «هر کس مسئول زیان ناشی از عمل خود او است» و جز موارد معدود و مصرح توسط قانون‌گذار که به مسئولیت تضامنی عاملان اشاره شده است^۳، تداخل اشخاص متعدد، تقسیم و اشتراک در مسئولیت را به دنبال خواهد داشت (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۱-۱۵۸). مسئولیت تضامنی واردکنندگان زیان در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نیز همان‌طور که در ابتدای آن تخصیص گردیده است، امری استثنایی و مربوط به مسئولیت کارفرما و کارگران مشمول قانون کار است. همانند مسئولیتی که قانون مدنی به‌طور خاص برای غاصبان در نظر گرفته است. لذا از این موارد خاص نمی‌توان به نتیجه‌گیری کلی در رابطه با اصل تضامنی بودن مسئولیت مدنی دست یافت. بی‌شک، گشاده‌دستی در قاعده سازی نسبت به اعمال مسئولیت تضامنی در مسئولیت مدنی به‌صورت کلی نه‌تنها با

خسارات توسط وی، به وجود همزمان آنها در ارتباط با حادثه و تأثیر آن در کاهش خسارات خواننده دعوا توجه نماید.

۲. دفاع ناظر بر مداخله اشخاص ثالث و تعدد عاملین زیان در وقوع حادثه

مداخله اشخاص ثالث و حضور عوامل متعدد در وقوع حادثه از جمله عواملی است که می‌تواند با «تقسیم مسئولیت»^۴ و تخصیص خسارت میان عوامل مؤثر در خسارت وارده، مسئولیت خوانندگان یا عامل اولیه را به میزان تأثیر آنان در حادثه محدود نماید. در فرض حضور اشخاص متعدد و تأثیر آن در ایراد زیان، اقدام هر یک از اشخاص دخیل در حادثه اگرچه زنجیره علت بین اقدام زیان‌بار دیگر اشخاص و خسارات ناشی از آن را از بین نمی‌برد، اما بخشی از سببیت عرفی مربوط به پیامد زیان‌بار را به خود اختصاص می‌دهد. در این راستا مبتنی بر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی لازم است میزان خسارت از طریق تقسیم مسئولیت قابل استناد نسبت به هر یک از عوامل مؤثر در ایراد زیان^۵ توزیع گردد.

در بسیاری از حوادث منجر به مسئولیت مدنی پلیس و کارکنان آن، احتمال حضور و دخالت شخص ثالث در وقوع

1. Apportionment of Liability

۲. مطابق مفهوم ماده ۳۳۲ قانون مدنی در بحث «سبب اقوی از مباشر» عرفاً رابطه سببیت مستند به مباشر ضعیف نیست که به‌واسطه آن بحث تقسیم مسئولیت مطرح شود. در حقیقت در «سبب اقوی از مباشر» با گسست رابطه سببیت بین مباشر و زیان وارده، جبران زیان تنها بر عهده یکی از عوامل؛ یعنی مسبب قرار گرفته و عامل دیگر (مباشر) به‌کلی از مسئولیت رهایی می‌یابد. به طور مشابه در حقوق کامن‌لا با قاعده لاتین *Nova causa interveniens* یا *Novus actus interveniens* به معنای وجود علت مداخله‌گر توسط شخص ثالث مواجهیم که تحت عنوان علت مداخله‌گر خودمختار (*Independent intervening cause*) اصولاً رابطه سببیت را متوقف می‌کند. بدین ترتیب شخص مداخله‌گر، جانشین عامل اصلی در جبران خسارت می‌گردد و به همین دلیل به آن سبب جایگزین (*Superseding Cause*) نیز گفته می‌شود. با گذشت زمان، به‌تدریج امکان تقسیم ضرر در فرضی که شدت مداخله به‌گونه‌ای نباشد که زنجیره سببیت را قطع کند، مورد توجه قرار گرفت که از آن به‌عنوان علت مداخله‌گر ضعیف یا وابسته (*Dependent intervening cause*) نام برده می‌شود. با وجود این، همچنان قاعده *nova causa interveniens* یکی از مهم‌ترین عوامل در قطع رابطه سببیت و نیز دفاع کامل خواننده در خصوص منصرف نمودن بار جبران خسارت از خویش به سمت «سبب جایگزین» است (Knobel, 2004: 420, 421). همچنین برای مطالعه بیشتر در خصوص پرونده‌های ناظر بر قاعده *nova causa interveniens* و احکام آن در حقوق کشورهای کامن‌لا ر.ک. به: (Harpwood, 2009) 165-173

۳. در این خصوص می‌توان مسئولیت تضامنی غاصبان در ابادی متعاقبه در قانون مدنی، مسئولیت تضامنی مسئولان اسناد تجاری در قانون تجارت و مسئولیت تضامنی قییم‌های متعدد در ماده ۹۴ قانون امور حسبی اشاره کرد.

روح قانون مطابقت ندارد، بلکه برخلاف قواعد اسلامی در نهی تحمیل وزر مربوط به دیگری است.^۱

از طرفی رویکرد مسئولیت تضامنی نسبت به مسئولیت مدنی پلیس منجر به شکل‌گیری فزاینده وضعیت «جیب عمیق»^۲ در جامعه می‌گردد و پلیس را در مقام سازمانی دولتی که به بودجه عمومی متصل است به هدفی مناسب و البته آسیب‌پذیر برای مدعیان زیرک در دعاوی مسئولیت مدنی تبدیل می‌کند که از بزرگ‌ترین معضلات دعاوی مسئولیت مدنی در محاکم در خصوص تحقق عدالت عینی و دادرسی بی‌طرفانه است. این امر به‌وضوح موجب می‌گردد که زیان‌دیده اولویت خود را نسبت به اقامه دعوا علیه دیگر اشخاص دخیل به دلیل عدم دسترسی به آنان یا توان مالی محدود، در مرتبه‌ی پایین‌تری در قرار دهد حتی اگر سهم آنان در زیان مدعی تعیین‌کننده‌تر باشد.

همچنین به لحاظ مصالح عمومی و نیز بر مبنای تحلیل اقتصادی، در نظر گرفتن مسئولیت تضامنی در فرض دخالت عوامل متعدد برای نهادهای دولتی از جمله پلیس که صرفاً در خدمت نفع عمومی است و تحمیل جبران کامل بر آن، پیامدهای زیان‌باری نسبت به جامعه در بر خواهد داشت. از آن‌رو که نیروی انتظامی به‌طور خاص برای انجام وظایف متنوع و در راستای نفع و استقرار امنیت در جامعه ایجاد شده و برای این منظور نیز بودجه آن از بیت‌المال تأمین می‌شود، هرگونه تحمیل خسارت مازاد بر مسئولیت آن، مستلزم پرداخت از بودجه عمومی تخصیص‌یافته به آن است. این امر به‌طور مستقیم میزان منابع موجود برای انجام کارکردهای عمومی مربوطه را کاهش می‌دهد و همچنین موجب تحمیل هزینه‌های اقتصادی بیشتر بر جامعه خواهد شد. بنابراین، بر این اساس نگرش مصرانه بر جبران کامل خسارت زیان‌دیده از طریق تحمیل مسئولیت تضامنی بر پلیس در نهایت می‌تواند منافع کل جامعه را تحت تأثیر نفع یک زیان‌دیده قرار دهد. در عوض وضع صندوق‌های جبران خسارت باهدف بهبود شرایط زیان‌دیده در

شرایط فقدان دسترسی به برخی عوامل مؤثر یا عدم توانایی مالی آنان، می‌تواند خلأ موجود در جبران کامل خسارت زیان‌دیده را به‌خوبی مرتفع نماید.

در خصوص معیار توزیع خسارت در فرض تقسیم مسئولیت نیز، با عنایت به بخش دوم ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی در تصریح به اینکه «چنانچه تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند» و تأکید ماده ۵۲۷ بر اهمیت میزان تأثیر اشخاص در تعیین مسئولیت آنان، می‌توان بیان داشت قانون‌گذار، «نحوه مداخله و تأثیر هریک از عوامل دخیل در حادثه» را به عنوان معیار اصلی در توزیع خسارت در نظر گرفته است و چنانچه میزان تأثیر اسباب مختلف در خصوص حادثه مشخص نباشد، تقسیم مسئولیت با رعایت تساوی بین طرفین مسئول با ملاک صدر ماده ۵۲۶ و نیز ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی انجام خواهد شد. همچنین رعایت مفاد ماده نخست قانون مسئولیت مدنی در خصوص این اصل که «هر کس مسئول ناشی از عمل خود اوست»، مستلزم توجه به میزان اثرگذاری هر شخص در وقوع زیان و گستره آن است. در غیر این صورت اعمال فرض تساوی در تقسیم مسئولیت، نسبت به شخصی که اثرگذاری کمتری نسبت به زیان ایفا نموده است، می‌تواند منجر به نقض اصل مسئولیت شخصی گردد؛ به طوری که عرف، اصولاً تحمیل خسارت به شخص به میزان بیشتر از تأثیر وی در حادثه را نسبت به مقدار مازاد، ناشی از عمل وی در نظر نمی‌گیرد. بنابراین، علاوه بر اهمیت تقسیم مسئولیت در فرض دخالت شخص ثالث و تعدد عوامل زیان، همچنین مهم است تا نسبت سهم خسارات خواندگان به میزان تأثیر و مداخله آنان، توسط دادگاه تعیین شود.

۳. دفاع ناظر بر حسن نیت عامل زیان و کمک مؤثر

وی به زیان‌دیده

در نظام حقوقی کامن‌لا، حسن نیت، اصلی^۳ شناخته‌شده و مورد اتکا است؛ به طوری که استناد به آن به‌عنوان یک دفاع مستقل در محاکم طبقه‌بندی می‌شوند و اثبات آن توسط خواننده در موارد بسیاری می‌تواند منجر به معافیت وی از مسئولیت گردد (Field, 2017: 555). در حقوق ایران حسن نیت مفهومی کلی است که با وجود تلاش‌های انجام‌شده در تبیین آن، همچنان مصادیق و نقش آن به‌ویژه در زمینه مسئولیت مدنی

۱. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

۲. نظریه «جیب عمیق» در خصوص تحمیل مسئولیت تضامنی بر پلیس در فرض تعدد عوامل واردکننده زیان مبتنی بر آن است که برخلاف عامل ثالث که ممکن است شخصی غیرقابل‌دسترس یا از نظر منابع مالی، ضعیف باشد، سازمان پلیس همواره به دلیل دسترسی بودن و برخورداری از بودجه عمومی دولت می‌تواند هدف مناسب‌تری در دعاوی مسئولیت مدنی تلقی شود. (Thimsen, McGorty, Bornstein, 2011: 38)

آسیب به اشخاص ثالث قابل تصور است، به معنای آن است که بدون آنکه مسئولیت از بین برود، بار مسئولیت و منبع جبران خسارت از شخصی (شخص حقیقی) به شخصی دیگر (شخص حقوقی) انتقال می‌یابد (Field, 2017: 546-547). مصداق بارز تغییر مسئولیت به واسطه حسن نیت در مسئولیت مدنی پلیس، اجرای امر آمر قانونی توسط مأمور با حسن نیت است. در این خصوص چنانچه کارکنان پلیس مطابق با قوانین و مقررات سازمانی در اجرای امر آمر قانونی دارای صلاحیت و یا اجرای حکم یا دستور مقام قضایی صالح به صورت معقول عمل نمایند، با مشخص شدن نقض یا عدم اعتبار عمل مزبور و ضمان ناشی از آن، مأمور، مسئولیتی نخواهد داشت، بلکه مسئولیت مدنی ناشی از اقدام مزبور به سازمان متبوع (سازمان پلیس) یا آمر صالح (قاضی یا قوه قضاییه) منتقل خواهد شد. رویکرد انتقال بار مسئولیت از مأمور دارای حسن نیت به سازمان پلیس می‌تواند تفسیر مناسبی از ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی^۲ به دلیل توجه به حسن نیت مأمور از یکسو و نیز عدم زوال مسئولیت مدنی در آن از سوی دیگر ارائه نماید. تنها خطر موجود در تحلیل تأثیر دفاع مبتنی بر حسن نیت به انتقال مسئولیت آن است که از آنجایی که انتقال بار مسئولیت، توانایی مدعیان برای دریافت خسارت را از بین نمی‌برد، بلکه صرفاً مسئولیت را منتقل می‌نماید، ممکن است با فراهم کردن امکان دسترسی به «جیب‌های عمیق‌تر» به واسطه انتقال مسئولیت مأموران به سازمان پلیس مخاطره افزایش بی‌رویه دعاوی مسئولیت مدنی علیه پلیس را در پی داشته باشد.

در نهایت، مهم‌ترین تأثیر قابل شناسایی دفاع ناظر بر حسن نیت در حقوق مسئولیت مدنی ایران، تحدید قلمرو مسئولیت خوانده و کاهش میزان آن است. اجرای حسن نیت که به‌طور کلی به نیت و تصمیم به رفتار معقول و توأم با صداقت با دیگران اطلاق می‌گردد (دیلمی، ۱۳۸۸: ۲۶۲)، صرفاً مختص به زمان وقوع حادثه نیست، بلکه همان‌گونه که در حوزه قراردادهای نیز حسن نیت طرفین در موارد پس از فسخ یا نقض قرارداد نیز منشأ اثر است، در حوزه مسئولیت مدنی نیز حسن نیت عامل فعل زیان‌بار پس از وقوع حادثه نیز مؤثر است و وجود آن می‌تواند از بار جبران خسارت شخص مسئول بکاهد.

مبهم باقی مانده است. اصولاً حسن نیت در جایی مطرح می‌شود که قصد در آن مؤثر بوده باشد، حال آنکه بسیاری از صور مسئولیت مدنی در حقوق ایران منوط به سوءنیت از جانب عامل زیان نیست و بر همین اساس حسن نیت در آن موارد نیز چندان موضوعیت ندارد. به‌عنوان مثال قانون‌گذار در خصوص مسئولیت غاصبان متعدد در قبال مالک مال مقصوبه تفاوتی میان حسن نیت ایادی متعاقب و حتی علم و جهل آنها از حیث مسئولیت مدنی قائل نشده است. بر این اساس به نظر می‌رسد قوانین موضوعه ایران فاقد مبنایی روشن در خصوص معافیت کامل خوانده از مسئولیت به استناد حسن نیت به‌عنوان اصلی مجزا است. با وجود این، برخی از نویسندگان وجود حسن نیت توسط شخص در مسئولیت مدنی را مانع از مستقیم بودن ضرر و قابل پیش‌بینی بودن آن می‌دانند (دیلمی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). رویکرد اخیر در خصوص نقش حسن نیت در جلوگیری از تحقق مسئولیت مدنی و ایجاد ملازمه میان شرط قابل پیش‌بینی بودن ضرر و یا مستقیم بودن ضرر با حسن نیت، دشواری‌ها و بی‌نظمی‌هایی را پدید می‌آورد که به‌وضوح بدتر از بی‌عدالتی ناشی از عدم اجرای آن است (اسماعیلی، نصیری، ۱۴۰۱: ۱۱۴). این امر می‌تواند نظام مسئولیت مدنی و قواعد جبران خسارت را با چالش اساسی مواجه سازد. به‌علاوه در نظر گرفتن حسن نیت به‌عنوان مانع مبنایی و ارکان مسئولیت مدنی بار اثبات را به‌جای عامل زیان بر عهده دادخواهی قرار می‌دهد که خواستار جبران خسارت خویش است. در این خصوص زیان‌دیده برای احقاق حق خویش در هر مورد ملزم به اثبات سوءنیت خوانده است که چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

قابل ذکر آنکه، عدم نفی مسئولیت عامل دارای حسن نیت، به هیچ‌وجه به معنای یکسان‌انگاری شخص با حسن نیت و شخص دارای سوءنیت نیست؛ چراکه علاوه بر آنکه اثر سلبی حسن نیت که همان تشخیص سوءنیت خوانده در پرونده است، همواره می‌تواند در دادگاه‌ها از حیث تشدید مسئولیت خوانده و نیز تحمیل خسارات تنبیهی بر وی مورد توجه قرار گیرد اثر ایجابی آن نیز به طرق دیگر در حقوق ایران قابل توجه و ترتیب اثر است. با عنایت به قوانین موضوعه داخلی به نظر می‌رسد اثبات حسن نیت در حقوق ایران می‌تواند به دو شیوه انتقال مسئولیت و یا تحدید میزان مسئولیت در اثرگذار باشد.

حمایت ناشی از انتقال مسئولیت^۱ که اصولاً در سازمان‌های دولتی و در روابط آنها با کارکنان خود در قبال

۲. ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دبه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.»

قابل مشاهده است. بنابراین، عبارت «کمک مؤثر به زیان دیده» بدون اینکه لزوماً بر تضمین نتیجه در کاهش قطعی زیان شخص آسیب دیده متکی باشد، با در نظر گرفتن حد اعلاهی حسن نیت و به کارگیری معیارهای عینی در اثبات آن، مانع از هرگونه سوءاستفاده توسط اشخاص مسئول نسبت به ادعای حسن نیت صرفاً با ملاک‌های ذهنی و غیرقابل تشخیص می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله تلاش کرد یک طبقه‌بندی صریح از دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت و تبیین عملکرد آنها ارائه نماید. مدون ساختن دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت، نقش مهمی در ایجاد انسجام در قواعد پراکنده جبران خسارت در قوانین مختلف، کاهش سردرگمی اصحاب دعوا و نیز تسلط بیشتر قاضی در تعیین میزان خسارت قابل جبران در دعاوی مسئولیت مدنی ایفا می‌نماید. از سوی دیگر، طبقه‌بندی دکترین مهمی چون قاعدهٔ تقلیل خسارت و اصل حسن نیت به‌عنوان دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت این امکان را در نظام حقوقی ما فراهم می‌نماید تا علاوه بر سطح نظری، در سطح عملی نیز به آنها توجه و مسائل مرتبط با اجرای آن در حقوق ایران را وارد چالشی عملی نماییم.

به طور کلی دفاعیات مبتنی بر مسئولیت مدنی ممکن است منبعث از نقش خواهان، دخالت اشخاص ثالث و در نهایت حسن نیت شخص مسئول ناظر بر اقدامات وی بعد از وقوع حادثه باشد. نقش خواهان در ارتباط با حادثه شامل دو قسم تقصیر مشارکتی در وقوع حادثه و نقض وظیفهٔ تقلیل خسارت است که هر یک به‌طور مستقل با کاهش خسارات منتسب به خواهان، دامنهٔ ضرر قابل پرداخت توسط خوانده را محدود می‌نمایند. لکن معیار محاسبهٔ خسارات قابل پرداخت در دو دفاع مذکور متفاوت از یکدیگر است؛ به طوری که مبنای محاسبه در تقصیر مشارکتی بر اساس زیان واقعی و معیار محاسبه در نقض وظیفهٔ تقلیل خسارت، بر مبنای زیانی فرضی است.

همچنین مداخله اشخاص ثالث و حضور اشخاص متعدد در وقوع حادثه ازجمله عواملی است که می‌تواند با تقسیم مسئولیت و تخصیص خسارت میان عوامل مؤثر در خسارات وارده، مسئولیت خواندگان یا عامل اولیه را به میزان تأثیر آنان در حادثه محدود نماید. در حوادث منجر به مسئولیت مدنی پلیس که با دخالت اشخاصی ثالث در وقوع حادثه و تحمیل خسارت به زیان دیده همراه است، استناد به اشتراک در

از این حیث، حسن نیت با مفاهیمی ازجمله مشارکت زیان دیده، تقلیل خسارت و سایر دفاعیاتی که صرفاً مقدار خسارت را محدود می‌کند، در یک راستا قرار می‌گیرد. بند اول ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به‌صراحت بیان می‌دارد، «هرگاه پس از وقوع خسارت، واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد، دادگاه می‌تواند میزان خسارت را کاهش دهد». بر این اساس استناد به حسن نیت و مساعدت به زیان دیده ازجمله جلوگیری از وخامت وضعیت وی توسط مأموران پلیس در حوادث منجر به صدمات بدنی یا کمک به رساندن زیان دیده به مراکز درمانی و سایر مصادیق مرتبط با آن، به‌عنوان یکی از دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت قابل ارائه و نیز ترتیب اثر از سوی دادگاه‌ها است که در نهایت منجر به کاهش خسارات قابل پرداخت توسط مأمور یا سازمان پلیس می‌گردد.

در خصوص شرایط لازم برای اعمال دفاع ناشی از حسن نیت و نیاز یا عدم نیاز آن به ایجاد نتیجهٔ قطعی در وضعیت زیان دیده، باید اذعان کرد که حسن نیت مفهومی درونی است که تحقق آن ذاتاً قائم به نتیجه نیست. با وجود این، قید «به نحو مؤثر» در بند یک ماده مزبور این شائبه را پدید می‌آورد که قانون‌گذار تخفیف مسئولیت را صرفاً ناشی از حصول نتیجه دانسته و صرف حسن نیت را به‌عنوان معیاری قابل قبول و کافی در تحدید میزان مسئولیت عامل زیان در نظر نگرفته است. در تحلیل این امر به نظر می‌رسد منشأ قید «به نحو مؤثر» را باید در شیوه‌های اثبات حسن نیت در نظر قانون‌گذار و نه در ماهیت آن، جست‌وجو کرد. حسن نیت در مفهوم اصلی خود به حالت ذهنی و دلایل درونی اشخاص دلالت می‌کند که انگیزه و قصد آنان را برای انجام رفتار موردنظر توصیف می‌کند. با این همه دستیابی به انگیزه و حالات درونی افراد جهت اثبات حسن نیت آنان چندان ساده نیست. ضرورت استنباط صحیح دادگاه‌ها در احراز حسن نیت به‌ویژه در بحث مسئولیت مدنی که ممکن است جبران کامل خسارات زیان دیده را تحت تأثیر قرار دهد، نظام‌های مسئولیت مدنی را بر آن می‌دارد تا با استفاده از معیارهای عینی در کنار معیارهای ذهنی، حسن نیت عامل زیان را به شکلی ملموس‌تر موردبررسی قرار دهند. بر این اساس، شخص زمانی دارای حسن نیت محسوب می‌گردد که قصد فعل و نتیجه را داشته باشد (دیلمی، ۱۳۹۷: ۱۱۲) و مؤثر بودن اقدام عامل زیان در نظر قانون نیز نتیجهٔ به‌کارگیری رفتار معقولانه شخص و امارهٔ ناشی از حسن نیتی است که نوعاً و بنا بر فرض غالب در ورای انگیزه اشخاص دارای حسن نیت

جعفرزاده، سیامک (۱۴۰۰). «انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی: توجه به مؤلفه تقصیر عمدی». *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، دوره ۱۶، شماره ۲.

جنیدی، لعیا؛ تخشید، زهرا (۱۳۹۹). «دفاع در برابر مسئولیت مدنی ناشی از خطای بی احتیاطی بر مبنای تقصیر زیان دیده با تأکید بر حقوق آمریکا». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۳ (۹۲)، صص ۱۴۷-۱۷۰.

دیلمی، احمد (۱۳۹۷). «ماهیت و مبنای قاعده حسن نیت و راه‌های اثبات آن». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۵ (۳)، صص ۹۱-۱۱۸.

دیلمی، احمد (۱۳۸۸). *حسن نیت در مسئولیت مدنی*. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

رحیمی، حبیب‌اله؛ خیاطی گرگری، ماهدیس (۱۳۹۵). «نقش زیان دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)». *پژوهش حقوق خصوصی*، ۵ (۱۷)، صص ۹-۴۰.

صفایی، سیدحسین؛ بادینی، حسن؛ عباسلو، بختیار؛ صالحی، سعیده (۱۳۹۷). «معیار تقسیم مسئولیت در فرض تعدد اسباب و تحول آن در حقوق ایران». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۴ (۸۴)، صص ۱۴۷-۱۶۴.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی (قواعد عمومی)*. جلد ۱. چاپ دهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نعمت‌اللهی اسماعیل (۱۳۹۸). «اصل جبرانی بودن خسارت و کارکردهای آن در کامن‌لا و حقوق ایران». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۳ (۴)، صص ۱۷۵-۲۰۲.

Adar, Y. (2013). "Comparative negligence and mitigation of damages: two sister doctrines in search of reunion". *Quinnipiac Law Review*, 31(4), pp. 783-842.

Borghetti, J. S. & Whittaker, S. (Eds.). (2019). *French civil liability in comparative perspective*. Bloomsbury Publishing.

Burrows, A. (2019). Remedies for torts, breach of contract, and equitable wrongs.

Davies, P. S.; Douglas, S. & Goudkamp, J. (Eds.). (2018). *Defences in equity*. (Vol. 4). Bloomsbury Publishing.

Field, I. (2017). "Good-faith challenge to the taxonomy of tort law defences".

مسئولیت و تقسیم ضرر به میزان تأثیر مطابق با مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده اول قانون مسئولیت مدنی به‌ویژه در شرایطی که همه عوامل دخیل در حادثه، شناخته شده و یا در دسترس نباشند و یا با وجود شناخته شده بودن، خواهان تمایلی به دعوا علیه آنان به دلایلی از جمله توان مالی ضعیف آنان نداشته باشد و پلیس یا مأمور آن، تنها خواننده دعوا محسوب گردد، می‌تواند از تحمیل مسئولیت مازاد بر تأثیر یا مسئولیت کامل سازمان پلیس و کارکنان آن جلوگیری نماید. در رابطه با تأثیر حسن نیت در مسئولیت مدنی، برخلاف اثر اصلی حسن نیت در حقوق کامن‌لا که در بسیاری از موارد منجر به معافیت خوانده با حسن نیت از مسئولیت مدنی می‌گردد، دفاع مبتنی بر حسن نیت در حقوق ایران، اصولاً منجر به تخفیف خسارت قابل پرداخت و تحدید مسئولیت خوانده به‌موجب بند اول ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی است.

تلاش انجام شده در پژوهش حاضر صرفاً آغازی بر پیشرفت نظام داخلی به‌سوی انسجام قواعد مسئولیت مدنی در قالب دفاعیات کلی و در طبقه‌بندی‌های گوناگون از جمله دفاع مبتنی بر تحدید مسئولیت مدنی است. این امر راه را برای طبقه‌بندی مجدد دفاعیات بر مبنای مختلف یا ارائه توصیفی کامل‌تر از آنچه محقق شده است، باز می‌نماید. در این زمینه همچنان پرسش‌های زیادی باقی مانده است که می‌تواند مضامین تحقیقات حقوقی آینده را تشکیل دهد. به‌عنوان مثال آیا اعمال همزمان دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در صورت وجود مقتضیات همگی آنها در حادثه‌ای واحد با یکدیگر امکان‌پذیر است؟ یا ناگزیر به انتخاب یکی از آنها خواهیم بود؟ همچنین در صورت لزوم انتخاب از میان عوامل مؤثر در تحدید مسئولیت، معیار گزینش چیست؟ و در صورت امکان جمع میان دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت مدنی، ترتیب محاسبه خسارات چگونه است؟

منابع

اسماعیلی، محسن؛ نصیری، محمد (۱۴۰۱). «اثر سوءنیت عامل زیان بر شروط قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن ضرر». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۷ (۹۹)، صص ۱۰۱-۱۲۶.

بیرانوند، رضا؛ خوئینی، غفور؛ عباس‌لو، بختیار؛ موسوی، سیدصادق (۱۳۹۵). *مطالعه عوامل رافع مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و حقوق عرفی*. دانشگاه خوارزمی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- Goldberg, J. C. & Zipursky, B. C. (2010). *The Oxford introductions to US law: Torts*. Oxford University Press.
- Goldberg, J. C.; Sebok, A. J.; Zipursky, B. C. & Kendrick, M. (2021). *Tort law: Responsibilities and redress*. Aspen Publishing.
- Goudkamp, J. & Nolan, D. (2016). *Contributory Negligence in the Twenty-First Century*. First Edition, Oxford University Press.
- Goudkamp, James (2013). *Tort law defences*. Bloomsbury Publishing.
- Harpwood, V. H. (2009). *Modern Tort Law 7/e*. Routledge.
- Harpwood, Vivienne (2000). *Principles of tort law*. 4th ed. Cardiff Law School
- Knobel, J. (2004). "Novus actus interveniens and causation in the law of delict: reappraisal in anticipation of new legislation on the apportionment of loss". *Tydskrif vir Hedendaagse Romeins-Hollandse Reg* (Journal for Contemporary Roman-Dutch Law), 67(3), pp. 409-425.
- Law Commission. (1993). "Contributory negligence as a defence in contract". *Law Com*, 219.
- McBride, N. J. & Bagshaw, R. (2015). *Tort Law PDF eBook*. Pearson Higher Ed.
- Michaud, A. (1984). "Mitigation of Damage in the Context of Remedies for Breach of Contract". *Revue générale de droit*, 15(2), pp. 293-340.
- University of New South Wales Law Journal*, 40(2), pp. 537-565.
- Rogers W. V. H. Jolowicz J. A. & Winfield P. H. (2010). *Winfield and jolowicz on tort* (18th ed.). Sweet & Maxwell.
- Summers, Andrew (2015). *The Relationship Between Contributory Negligence and Mitigation*, 1-29.
- Schwartz, V. E. (2021). "Rendering justice in key areas of tort law in the next decade". *Southwestern Law Review*, 49(3), pp. 378-389.
- Thimsen, S., McGorty, E. & Bornstein, B. H. (2011). "Putting face on the corporate defendant". *Jury Expert*, 23(4), pp. 36-43.
- Van Dam, C. (2013). *European tort law*. OUP Oxford.
- Thorne v. City of El Segundo, 802 F. 2d 1131 - Court of Appeals, 9th Circuit 1986:
<https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/802/1131/180016/>
 Federal Act on the Amendment of the Swiss Civil Code (Part Five: The Code of Obligations) of 30 March 1911 (Status as of 1 January 2021):
https://fedlex.data.admin.ch/filestore/fedlex.data.admin.ch/eli/cc/27/317_321_377/20210101/en/pdf-a/fedlex-data-admin-ch-eli-cc-27-317_321_377-20210101-en-pdf-a.pdf.